



## این نیز بگذرد.....

حسابدار گفت: - من از خواندن مطالب مربوط به مشکلات مالی خانوادگی در روزنامه‌ها خوشم می‌آید.

رییس گفت: - خدای من، فکر می‌کردم وقتی که آن‌ها پرداخت خسارت بیمه‌ی عمر را قطع کردند، این نوشته‌ها برای همیشه از بین رفت.

حسابدار گفت: - این طور به نظر نمی‌رسد، وقتی دری بسته می‌شود... فعلاً تمام مطالب مربوط به حق بازنشستگی است.

رییس گفت: - مواظب باش و ببین وزیردا را بی با منابعی که برای بهتر کردن زندگی ما ذخیره کرده، در بودجه‌ی بعدی چه می‌کند.

حسابدار با موافقت گفت: - این مشکل اساسی است. چیزی که قبلاً تروتمیز و مرتب بود، ناگهان پرازوصله‌های ناجور می‌شود. با وجود این، من به یک نکته توجه کرده‌ام.

- آن نکته چیست؟

- این که موسسات بزرگ حسابدارانی یک مرتبه فعال شده‌اند. هفته‌ای نیست که چند شرکت از معروف‌ترین شرکتها برای ارشاد کردن ما مقاله ننویسد و این همه لطف را در مقابل هیچ عرضه ندارد.

رییس گفت: - نازنین اند، مگر نه؟ همه‌ی این چیزها به خاطر صفای قلب آنها است. تو که فکرمی کنی این ماجرا ذره‌ای ناشی از خود بزرگ بینی یا هوچیگری باشد؟

- به همین خیال باش. منظورم این است که چه طور می شود بین هوچیگری و تبلیغات فرق گذاشت؟

رییس گفت: - من با این حرف موافقم که برای مردم عادی کوچه و خیابان تفکیک این دو مشکل خواهد بود، اما برای حرفه‌ای که پنجاه سال با تاکید بر تفاوت فرار از مالیات و اجتناب از مالیات زندگی وجدال کرده است، اصلاً نباید مشکلی وجود داشته باشد. به هر حال، مهم نیست. به رغم اشکها و آه‌های پیش‌کسوتان محتاط و والا مرتبه‌های ما، به زودی به ما اجازه‌ی تبلیغ آزاد در حرفه داده خواهد شد. انجمن این فرمان را صادر کرده است، و درست حساب داری ما همه به بزرگ ترها نگاه می‌کنیم. حساب دار گفت: - من فکرمی کردم اگر به هر صورتی تبلیغ کنیم، موسسات کوچک حساب داری را گرفتار در دسرمی کنیم. فقط موسسات بزرگ به درآمد های سرسام آور می رسند.

رییس گفت: - اگر به عقیده‌ی موسسه‌ی بزرگ در یک اقتصاد آزاد، آن موسسه مفیدترین و کارآمدترین موسسه برای عموم است، چرا نتواند این مطلب را به زبان آورد و از آن شرمندeh باشد؟ به زودی معلوم خواهد شد:

- اما قربانیا...؟

- در قربانگاه کارآمدترین قربانی می شود. اینها به جایی می‌روند که حساب هزینه‌های انجام شده با بت‌کارهای خوش عاقبت را فراموش می کنند.

حساب دار گفت: - تندرو رییس چه می شود؟  
او مجبور است حال فلاسفه را به خود بگیرد و با خاطره‌ها زندگی کند.



در هر صورت ، این نیز می گذرد . تبلیغ کردن یا نکردن ...  
تو که فکر نمی کنی در دنیایی که کامپیوتر در هر شرکت ، خانه و  
مغازه ی خرده ریز فروشی وجود دارد ما همین جا می نشینیم و  
رویدادها را به صورت ناقص ثبت می کنیم و راههایی برای پایین  
نگاه داشتن مالیاتها پیدا می کنیم ؟

صبر کن تا ما تبلیغ کنیم که حسابها با کامپیوتر سرپایی  
رسیدگی می شود ، - یا نظرت درباره ی این یکی چیست که بگوییم:  
همه چیز کامپیوتری است - یک سکه در سوراخ دستگاه بیندازید و  
خودتان در این جا به محاسبات محاسبهای خود رسیدگی کنید ، اگر  
به مشکلی برخوردید ، کارکنان موب و کارآمدا برای کمک به  
شما نشسته اند . در قبال یک سکه اضافی ، می توانید بودجه ی سال  
آینده ی خود را نیز با کامپیوتر برآورد نمایید ، " .  
چه شرکت بزرگی باشیم و چه کوچک ، طولی نمی کشد که بازی  
به کل تغییر ماهیت می دهد . در آن زمان همه ی ما از یک نقطه  
دوباره آغاز خواهیم کرد .



## بقیه از صفحه ۲۵

حسابداری به اندوخته مخفی زمانی صورت گرفته است که کمیته ی  
اروپایی هنوز روی دستورالعمل حسابداری بانکهای خود کار  
می کند . این امر بانکها را به طور کلی همتراز سایر شرکتها  
می سازد .

با وجود این ، به بانکها اجازه داده شده است که تا ۵ درصد  
از کل وامها و اعتبارات خود اندوخته مخفی داشته باشند . معنی  
این اجازه ، در مورد بانک بارکلیز به عنوان مثال ، این است که  
به ماخذ متجاوز از ۵۰ میلیارد لیره کل اعتبارات اعطایی سال  
۱۹۸۴ آن بانک ، ۵ درصد اندوخته مخفی مجاز ، بالغ بر حدود  
۳ میلیارد لیره خواهد شد که نه برابر سود گزارش شده ی سال  
پیش است !

جای تعجب نیست که گروههای مختلف خود را برای مبارزه

آ ماده می سازند .